

جایگاه امام حسین (ع) در تفاسیر دانشمندان اهل سنت

محمد اسماعیل عبدالهی^۱

محمد کرمی نیا^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۱۳

چکیده

پیامبر اکرم (ص) طبق حدیث شریف ثقلین دو چیز گران بها را میان مردم به ودیعه گذاشتند. یکی قرآن و دیگری اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام). امام حسین (ع) به عنوان یکی از اهل بیت و پنجمین آل عبا (ع)، به جهت ویژگی‌های خاصی که میان دیگر معصومان (علیهم السلام) دارند، مورد توجه ویژه رسول اکرم (ص) و ائمه (علیهم السلام) بوده‌اند؛ و چون برابر روایات، آیاتی در قرآن از جانب خداوند درشان و منزلت سیدالشهدا (ع) نازل شده‌است، آن حضرت و روایات مربوط به ایشان مورد توجه مفسرین اهل تسنن قرار گرفته‌اند. در پژوهش حاضر می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا دیدگاه‌های مفسران اهل تسنن درباره جایگاه امام حسین (ع) در قرآن چیست؟ آیات فراوانی درشان امام حسین (ع) فرود آمده، که مفسرین اهل سنت بعضی را درباره حضرت تفسیر کرده‌اند، و بعضی دیگر را تأویل و تطبیق نموده‌اند. در این نوشتار جایگاه آن حضرت در منابع تفسیری اهل سنت بررسی شده‌است؛ و ثابت شده که همان‌طور

۱. عضو گروه علمی فرق و ادیان حوزه علمیه قم m.s.abdollahy@hotmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم
karaminia.mohammad@yahoo.com

که امام حسین(ع) در منابع روایی و تاریخ اسلام جایگاهی ویژه دارد، در روایات تفسیری اهل سنت نیز دارای جایگاهی والا و درخور توجه است که نمی‌توان ساده از کنار آن گذشت.

کلیدواژه‌ها: اهل سنت، امام حسین(ع)، تفاسیر، قرآن

مقدمه

رسول اکرم(ص) در حدیث شریف ثقلین دو چیز گران بها را میان مردم به ودیعه گذاشتند: یکی قرآن و دیگری اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) که به قرآن، ثقل اکبر و به اهل بیت، ثقل اصغر اطلاق شده است. امام حسین(ع) که یکی از اهل بیت و پنجمین آل عبا(علیهم السلام) است، به جهت ویژگی خاصی که بین دیگر بزرگان معصوم دارند و مورد توجه رسول اکرم(ص) و ائمه(علیهم السلام) و مسلمانان بوده و آیاتی در شان و منزلت آن حضرت نازل شده است که مورد توجه اهل سنت قرار گرفته است. بنا براین به دلیل اهمیت معرفی امام حسین(علیه السلام)، مفسرین اهل سنت از این مسأله مهم غافل نبوده‌اند و روایاتی را که در تفسیر برخی آیات مربوط به آن حضرت نقل شده است، در تفاسیر خود ذیل آیات مربوطه بیان کرده‌اند.

۱- زندگی و شخصیت امام حسین(ع)

در باب ولادت امام حسین(ع) اقوال مختلفی وجود دارد. برخی از مورخین آن را در روز سه‌شنبه یا پنج‌شنبه سوم یا پنجم ماه شعبان و گروهی آن را در آخرین روز ربیع‌الاول سال سوم هجری نقل کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۶: ۳۰۷). برخی دیگر ولادت آن حضرت را در روز سوم یا پنجم ماه شعبان سال چهارم هجری (شوشتری، ۱۴۰۹: ۴؛ عکبری بغدادی، ۱۴۲۶: ۲۷؛ حموی، ۱۳۶۳: ۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۱) و کسانی آن را بیست و پنجم شعبان ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۳۷۶: ۱۶۶). بعضی نویسندگان بدون ذکر روز، آن را ماه شعبان سال چهارم هجری آورده‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۴).

روایات زیادی از پیامبر در این باب در مجامع حدیثی اهل سنت وارد شده است که همه آن‌ها عظمت و شخصیت والای امام حسین(ع) را می‌رساند و این که آن حضرت



همواره مورد توجه رسول گرامی اسلام (ص) بوده تا جایی که می فرماید: «الوالد ریحانة و ریحانتای الحسن و الحسین (علیهما السلام)؛ «فرزند دل‌بند است و حسن و حسین دو دل‌بند من‌اند» (التلیدی المغربی، ۱۳۸۸: ۱۶۳؛ تلمسانی، ۱۴۰۲: ۴۳؛ محمد بن طولون شمس الدین، بی تا: ۲۷؛ الجزری، بی تا: ۱۷۰ و ۱۹۸؛ قندوزی، بی تا: ۱۸۵/۴).

این توجهات تنها به دلیل ارتباط نسبی نیست، بلکه بیشتر به دلیل اثرگذاری در دین و نقش هدایت‌گری این بزرگواران در بین مسلمین و حفظ دین ناب است و در این میان نقش تفسیری این امام همام را به عنوان مهم‌ترین منبع و حیانی نمی‌توان نادیده گرفت و این نقش بی‌بدیل را می‌توان در حدیث ثقلین (کاتب واقدی، ۱۴۱۸: ۱۷؛ نسائی، ۱۳۸۲: ۹۰؛ سید بن طاووس، ۱۴۰۰: ۲۷۲؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۴۶) مشاهده کرد.

این امام مظلوم که همه هستی خود را در راه خدا و برای احیای دین خدا فدا کرد و با کلام نورانی «وارید أن أمر بالمعروف و انهی عن المنکر...» (کوفی، ۱۴۱۱: ۲۱) به عالم هستی فهماند، وارث علم نبی (ص)، عالم به بطون قرآن و در علم تفسیر فردی بی‌نظیر است.

۲- امام حسین ع در تفاسیر اهل سنت

با توجه به شخصیت والای امام حسین (ع) و نقش هدایت‌گری وی آیاتی از قرآن به آن حضرت تفسیر شده است که اهل سنت نیز در تفاسیر خود از آن چشم‌پوشی نکرده‌اند و ما در این مقاله آن آیات را بررسی می‌کنیم. ناگفته نماند که چون در بیشتر - بلکه نزدیک به تمامی - روایاتی که از امام حسین (ع) یاد شده، نام آن بزرگوار در کنار سایر اهل بیت (علیهم السلام) آمده است.

۱-۲. آیاتی که در تفاسیر اهل سنت به امام حسین (ع) تفسیر شده است:

۱-۲-۱. (فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ أَنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)؛ «آدم از پروردگارش کلمه‌ای چند فراگرفت. پس خدا توبه او را بپذیرفت، زیرا توبه‌پذیر و مهربان است» (بقره: ۳۷)؛

درباره کلماتی که حضرت آدم (ع) از خداوند فراگرفته است، ابن نجار از ابن عباس

روایت کرده است که: از رسول خدا (ص) پرسیدم آن کلمات که آدم با تمسک به آنها توبه کرد چیست؟ رسول اکرم (ص) فرمود: «سَأَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تُبْتُ عَلَىٰ». فَتَابَ عَلَيْهِ» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۰۱-۱۰۲؛ سیوطی، بی تا، ۶۱)؛ رسول اکرم (ص)، که از منبع وحی سخن می‌گوید، در تفسیر این آیه، آن را به اسماء پنج تن آل عبا (علیهم السلام) - که یکی از آنان هم امام حسین (ع) است - تفسیر فرمودند. این مطلب بیانگر آبروی صاحبان اسم‌های شریف نزد خداوند است. با توجه به اهمیت توبه آدم (ع) و نقش آن در نظام این عالم، ویژگی کلمات الهی تلقی شده از سوی آدم (ع)، مضمون این حدیث شریف می‌تواند گویای مقام والای اهل بیت (ع) بسیار باشد.

۲-۱-۲. (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)؛ «از آن پس که به آگاهی رسیده‌ای، هر کس که درباره‌ی او با تو مجادله کند، بگو: بیایید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران خود را و شما برادران خود را. آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان بفرستیم» (آل عمران: ۶۱).

در تفسیر آیه، مفسران اهل سنت گفته‌اند منظور از «أَبْنَاءَنَا» حسن و حسین (علیهما السلام) است و روایت کرده‌اند هنگامی که رسول اکرم (ص) برای مباحثه می‌آمد، دست حسن و حسین (علیهما السلام) را گرفته بود و حضرت فاطمه (س) پشت سر آن بزرگوار و علی (ع) نیز پشت سر حضرت زهرا (س) حرکت می‌کرد. اسقف نجران گفت: «یا معشر النصارى إني لأرى وجوها لو سألوا الله تعالى أن يزيل جبلا من مكانه لأزاله فلا تباهلوا فتهلكوا، فأذعنوا» (بيضاوی، ۱۴۱۸: ۲۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۱).

آیه فوق دلالت می‌کند که حسن و حسین (علیهما السلام) فرزندان پیامبر هستند و برای تأکید این قول آیه (وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ) (انعام: ۸۴-۸۵) را آورده‌اند. با استناد به این آیات حضرت عیسی (ع) از جهت مادر به ابراهیم (ع) می‌رسد و او را ذریه ابراهیم (ع) معرفی می‌کند. پس ثابت می‌شود که به پسر دختر هم «ابناء» می‌گویند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴۸). این که امیرالمؤمنین (ع) نفس

پیامبر(ص) شمرده شده و فرزندان بی واسطه پیامبر «أبناءنا» خوانده شوند، در واقع والاترین مقام در سنجه خداوندی برای آن بزرگواران به شمار می آید و هیچ کس در جهان خلقت به چنین مقامی مقدور و مقرر نگشته است.

۲-۱-۳. (وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...): «و خودتان را مکشید» (نساء: ۲۹).

ابن عباس در تفسیر این آیه گفت یعنی: «لا تقتلوا اهل بیت نبیکم» و ایشان به آیه مباهله استناد کرده اند که منظور از «انفسکم» اهل بیت (علیهم السلام) است که شامل خود رسول اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) می شود. «کان ابناء هذه الأمة الحسن والحسين وکان نساؤها فاطمة وانفسهم النبی وعلی» (حسکانی، ۱۴۱: ۱۸۱-۱۸۲).

بنا بر تفسیر ابن عباس خداوند از قتل اهل بیت (علیهم السلام) - که یکی از آن ها امام حسین (ع) است - نهی فرموده است. در حالی که اهل بیت یکی پس از دیگری به دست بعضی از همین مردم به شهادت رسیده اند و شهادت حضرت سیدالشهدا (ع) در روز عاشورا به حدی مظلومانه بود که شهادت همه اهل بیت (علیهم السلام) را تحت الشعاع قرارداد و عجیب اینجاست که آن ظالمان این آیات را می خواندند و بعضی از آنان تفسیر آن را به طور مستقیم از ابن عباس شنیده بودند و قتل آن مظلوم را مباح می دانستند.

(وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)؛ «و هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، همراه با کسانی خواهد بود که خدا نعمتشان داده است، چون انبیا و صدیقان و شهیدان و صالحان. و اینان چه نیکو رفیقان اند» (نساء: ۶۹).

در تفسیر این آیه روایات زیادی به این مضمون از راویان مختلفی در تفاسیر اهل سنت نقل شده است. عبدالله بن عباس در تفسیر آیه می گوید:

«وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ» یعنی در واجبات باید از خداوند اطاعت کرد و از سنت پیامبر(ص) تبعیت نمود و آن ها کسانی هستند که خداوند برای آن ها از پیامبران محمد(ص) را عطا کرد و «صدیقان» یعنی علی (ع) را، که اولین تصدیق کننده نبی اکرم(ص) است، شامل می شود و شهدا یعنی علی، جعفر، حمزه، حسن و

حسین (علیهما السلام) را، که سادات شهدا هستند، شامل می‌شود و صالحین یعنی سلمان، اباذر، صهیب، بلال، خباب و عمار و «حسن اولئک» یعنی یازده امام معصوم (علیهم اسلام) و «رفیقا» را به بهشتی که در آن علی (ع) و فاطمه (س) و امام حسن و حسین (علیهما السلام) در یک منزل که رسول خدا (ص) هم در آن منزل است، تفسیر کرده‌اند^۱ (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۶-۱۹۷).

در بخش اول که مربوط به شهدا است معصومین را، که یکی از آنان هم امام حسین (ع) است، در کنار دیگر شهدای غیر معصوم آورده و طوری بیان کرده که همه آنان در یک درجه هستند ولی از بخش آخر روایت درباره واژه «رفیقا» معلوم می‌شود که مقام شهدای معصوم از جمله امام حسین (ع) با دیگر شهدا کاملاً متمایز است، چون در تفسیر این بخش از آیه، خداوند حضرت را، در بهشت در منزلی که خود رسول اکرم (ص) و علی و فاطمه و حسن (علیهم السلام) در آنجا هستند، توصیف می‌کند. که می‌توان گفت این امر نشان‌گر جایگاه والای سرور و سالار شهیدان، اباعبدالله الحسین (ع)، در تفاسیر اهل سنت است.

در روایتی از داوود بن سلیمان نقل می‌کند و او از امام رضا (ع) و امام از اجداد کرام خود روایت کرده است که:

فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ) قَالَ: مِنَ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٌ، وَمِنَ الصِّدِّيقِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَمِنَ الشُّهَدَاءِ حَمْرَةُ، وَمِنَ الصَّالِحِينَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَحَسَنٌ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا قَالَ: الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص). لَفْظًا سَوَاءً؛

پیامبر (ص) در تفسیر آیه فرمود: تبیین یعنی محمد (ص) و صدیقین یعنی علی (ع) و منظور از شهدا حمزه است و از صالحین حسن و حسین (ع) اراده

۱. وَمَنْ يَطْعُ اللَّهَ يَغْنَى فِي فَرَائِضِهِ وَالرَّسُولَ فِي سُنَّتِهِ فَأَوْلَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ يَغْنَى مُحَمَّدًا وَالصِّدِّيقِينَ يَغْنَى عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ صَدَّقَ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَالشُّهَدَاءَ يَغْنَى عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَجَعْفَرَ الطَّيَّارَ، وَحَمْرَةَ بِنْتُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، هَؤُلَاءِ سَادَاتُ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ يَغْنَى سَلْمَانَ وَأَبَا ذَرٍّ وَصُهَيْبَ وَبِلَالَ وَخَبَّابًا وَعَمَّارًا وَحَسَنٌ أَوْلَئِكَ أَى الْأَيْمَةَ الْأَحَدَ عَشَرَ رَفِيقًا يَغْنَى فِي الْجَنَّةِ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا إِنَّ مَثَلَ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَمَثَلَ رَسُولِ اللَّهِ وَهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَاحِدٌ.

شده و منظور از (حسن اولئک رفیقا) قائم آل محمد (عج) است و مثل این روایت از اصیغ بن نباته از ابن عباس نیز نقل شده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۷-۱۹۹).

۴-۱-۲. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و به او تقرب جوید و در راهش جهاد کنید. باشد که رستگار گردید» (مائده: ۳۵).

در تفسیر این آیه روایات متعددی نقل شده است، که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱-۴-۱-۲. ابهریره از پیامبر (ص) نقل کرده است: «صلوا علی صلاتکم و سلوا الله لی الوسیلة» فسالوه، أو أخبرهم أن الوسیلة درجة فی الجنة لیس ینالها الا رجل واحد، وأرجو أن أكون أنا».

در این روایت فقط شخص پیامبر (ص) را به عنوان وسیله معرفی می‌کند، که هیچ‌کس به آن مقام نمی‌رسد مگر یک مرد که امید دارم آن مرد من باشم (ثعلبی، ۱۳۸۷: ۹۵).

۲-۴-۱-۲. ابن عباس از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که: قال رسول الله (ص) «سلوا الله لی الوسیلة، فإنه لم یسالها لی عبد فی الدنيا إلا كنت له شهیداً أو شفیعا یوم القیامة»؛ «از خدا با وسیله قرار دادن من سؤال کنید چرا که هر کس در دنیا مرا وسیله قرار دهد، من به نفع او شهادت می‌دهم و یا در روز قیامت از او شفاعت می‌کنم» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۹۵).

۳-۴-۱-۲. ابن مردویه به اسناد خود از علی (ع) روایتی را نقل کرده که: پیامبر (ص) فرمود: در بهشت درجه‌ای است که با وسیله به دست می‌آید پس اگر آن را از خدا مسألت کردید، مرا وسیله [رسیدن به آن درجه] قرار دهید. گفتند یا رسول الله! چه کسانی با تودر آن مقام هستند؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) با من هستند. یعنی اینان هم مثل من وسیله رسیدن به بهشت هستند^۱ (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۹۵).

۴-۴-۱-۲. ابن ابی حاتم به اسناد خود از سالم بن ثوبان نقل کرده که: شنیدم از

۱. فی الجنة درجة تدعی الوسیلة، فإذا سألتهم الله فسلوا لی الوسیلة؛ قالوا: یا رسول الله، من یسکن معک؟ قال: «علی و فاطمة و الحسن و الحسین».

علی (ع) که در بالای منبر کوفه می فرمود: ای مردم در بهشت دو لؤلؤ وجود دارد: یکی سفید و دیگری زردرنگ است. سفید تا عرش خداوند کشیده شده و آن مقام محمود است که از آن هفتاد هزار غرفه، که هریک از خانه های آن سه میل وسعت دارد و غرفه های آن و درهای آن از یک عرق هستند که اسم آن وسیله است و آن برای محمد (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) اوست و زردرنگ هم مثل آن است و برای ابراهیم (ع) و اهل بیت اوست^۱ (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۹۵).

عکرمه درباره آیه (أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ) (اسراء: ۵۷) گفت: هُمُ النَّبِيُّ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (علیهم السلام) (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۴۶). در روایت ابوهریره اجمالاً وجود وسیله را پذیرفته اند ولی آن را فقط به رسول خدا (ص) اختصاص داده اند، پس اصل وجود وسیله و به تبع آن شفاعت، خدشه ناپذیر است، و در روایت ابن عباس به آن تصریح کرده است. در روایت سوم علاوه بر تصریح به وجود وسیله، مصادیق را هم متذکر شده است و آن را به اهل بیت (ع) اختصاص داده است و در روایت ابن ابی حاتم به طور مطلق آورده است که اهل بیت (علیهم السلام) وسیله اند. از این روایات نتیجه می گیریم که تمسک به اهل بیت (علیهم السلام) - که یکی از آن ها امام حسین (ع) است، همان سفارش ثقل اکبر است تا از ثقل اصغر غافل نباشیم. چراکه توجه به آن ها خود موجب هدایت بشر است.

۱-۵. (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ)؛ «آیا ندیده ای که خدا چگونه مثل زد؟ سخن پاک چون درختی پاک است که ریشه اش در زمین استوار و شاخه هایش در آسمان است» (ابراهیم: ۲۴).

سلام می گوید خدمت امام باقر (ع) رسیدم و عرض کردم یا بن رسول الله منظور از آیه (أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) در قرآن را به من بیان کن. حضرت فرمود: «ای سلام

۱. سمعت علی بن ابی طالب ینادی علی منبر الکوفة: یا ایها الناس إن فی الجنة لؤلؤتین: إحداهما بیضاء، و الأخری صفراء، أما البیضاء فإنها إلى بطنان العرش، و المقام المحمود من اللؤلؤة البیضاء سبعون ألف غرفة، کل بیت منها ثلاثة أمیال، و غرفها و أبوابها و أسرتها و سكانها من عرق واحد، و اسمها الوسيلة، هی لمحمد صلی الله علیه و سلم و أهل بیته، و الصفراء فیها مثل ذلك هی لإبراهیم علیه السلام و أهل بیته.

منظور از «الشَّجَرَةَ»، محمد (ص) و فرع علی (ع) است و ثمر آن حسن و حسین (علیهما السلام) است و شاخه آن فاطمه (س) و شعب آن شاخه، ائمه از فرزندان اوست و برگ آن شیعیان و محبین ما اهل بیت هستند.

در روایت دیگری ابوالقاسم قرشی به اسناد خود از مینا مولی عبدالرحمن نقل کرده که: روزی عبدالرحمن بن عوف به من گفت: یا مینا قبل از آن که احادیث با اباطیل مخلوط شود، حدیثی به تو می گویم. از رسول خدا (ص) شنیدم که همواره می فرمود: «أَنَا شَجَرَةٌ وَ فَاطِمَةٌ فَرْعُهَا وَ عَلِيٌّ لِفَاحِهَا، وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ ثَمَرُهَا، وَ مُجَبُّوهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَ رَقُّهَا ثُمَّ قَالَ: هُمْ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ». ابوعثمان الحیرری هم این روایت را از عبدالرحمن به همین صورت نقل کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۰۶-۴۰۹).

۶-۱-۲. (وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا)؛ «سلام براو، آن روز که تولد یافت، و آن روز که می میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می شود» (مریم: ۱۵).

در تفسیر آیه ابن عساکر از قره بن خالد روایت کرده است که: «مَا بَكَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا عَلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ حَمْرَتِهَا بَكَوْهَا: آسمان به احدی از مردم گریه نکرده به جزء یحیی بن زکریا و حسین بن علی (علیهم السلام)، آن قدر گریه کرد که آسمان سرخ شد» (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۲۰؛ سیوطی، بی تا، ۲۶۴).

این به جهت مظلومیت آن دو بزرگوار است چراکه هر دو به دست بدترین و شقی ترین افراد روی زمین به شهادت رسیدند. این از جایگاه والای امام حسین (ع) در نزد اهل سنت است، که امام را از مصادیق آیه، که خداوند در روز شهادتش سلام و درود می فرستد، شمرده و در تفاسیر خود آورده است.

۷-۱-۲. (إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطْهَرَكُم تَطْهِيرًا)؛ «ای اهل بیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد».

در تفسیر این آیه روایات بسیار زیادی از اهل سنت به طور متواتر وارد شده است، که آوردن همه آن ها در اینجا میسر نیست و ما در این مقاله به برخی از آن ها اشاره ای می کنیم.

ترمذی، ابن جریر، ابن منذر، حاکم، ابن مردویه و بیهقی به اسناد خودشان از امام

السلمه نقل کرده‌اند: «فی بیته نزلت (إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ) و فی البیت فاطمة و علی و الحسن و الحسین فجللهم رسول الله (ص) بکساء کان علیه ثم قال هؤلاء اهل بیته فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۹۵؛ پانی پتی، ۱۴۱۲: ۳۴۰).

در تفسیر آیه تطهیر، ابن جریر و ابن ابی حاتم و طبرانی از سعید خدری روایت کرده‌اند، که: رسول خدا (ص) فرمود: این آیه در حق من، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شد. ابن ابی شیبیه، احمد، مسلم، ابن جریر، ابن ابی حاتم و حاکم از عایشه روایتی را شبیه این روایت نقل کرده‌اند، عایشه گفت: زیر لباس پشمین (عبا) جمع شدند و رسول خدا (ص) آیه تطهیر را خواند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۷-۳۶۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۶۳۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۶۲).

فخر رازی می‌گوید: آل محمد (ص) آن‌هایی هستند که تأویل امور آن‌ها به محمد (ص) و هریک از آنان به پیامبر (ص) نزدیک تر باشد اطلاق آل به او کامل تراست و شکی نیست که فاطمه، علی، حسن و حسین (علیهم السلام) شدیدترین تعلقات را به پیامبر دارند و این مطلب با نقل متواتر ثابت است. پس واجب است که آنان آل محمد (ص) باشند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۹۵).

با توجه به روایات وارده، آیه تطهیر در حق پنج تن آل عبا (علیهم السلام) نازل شده است. این فضیلت والای اهل بیت (علیهم السلام)، که اهل سنت به آن تصریح می‌کنند، نشان از منزلت خاص اهل بیت (علیهم السلام) در نزد آنان است. که یکی از آنان امام حسین (ع) است که دارای چنین جایگاهی است. که ایشان به ولید فرمود: «و مثلی لا یبایع مثله». (ابن طاوس، ۱۳۴۸: ۵۰).

مقام والای عصمت کجا و شریران پست و بی مقدار کجا؟ بسی جای تأسف است که آنانی که آن امام همام را به شهادت رساندند، این آیات را نخوانده بودند؟
 ۲-۱-۸. (کَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ)؛ «اندکی از شب را می‌خوابیدند»
 (الذاریات: ۱۷).

ابوبکر بن مؤمن به اسناد خود از عبد الله بن عباس در تفسیر آیه نقل می‌کند که:

نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالحُسَيْنِ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَكَانَ عَلِيٌّ يَصَلِّي ثُلْثِي اللَّيْلِ الْأَخِيرِ، وَيَنَامُ الثُّلُثَ الْأَوَّلَ، فَإِذَا كَانَ السَّحَرُ جَلَسَ فِي الْإِسْتِغْفَارِ وَالدُّعَاءِ، وَكَانَ وَزُدَّهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سَبْعِينَ رُكْعَةً خَتَمَ فِيهَا الْقُرْآنَ؛

این آیه در شان علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است و علی (ع) یک سوم شب را می خوابید و دوسوم بعدی را به نماز می ایستاد و در وقت سحر به دعا و استغفار سپری می کرد و در هر شب هفتاد رکعت نماز می خواند که در آن قرآن را ختم می فرمود (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۶۸).

اگرچه در این روایت عبدالله بن عباس عبادت امیرالمؤمنین (ع) را متذکر می شود ولی با توجه به اینکه آیه درباره هر چهار بزرگوار نازل شده است، پس باید عبادت را هم به همه آنها تعمیم داد. چون سیاق آیه کلی است و نمی توان آن را بدون قرینه تخصیص داد.

عبادت علی (ع) در هر شبانه روز به هزار رکعت مشهور است (بستی سجستانی، ۱۳۷۹: ۶۱) ولی عبادت دیگر امامان و فاطمه سلام الله علیها نیز کم نبود، و این را تاریخ شهادت می دهد. همان طور که امام حسین (ع) شب عاشورا در کربلا، مهلت می گیرد تا آن شب را به نماز و دعا و تلاوت قرآن بگذراند و می فرماید خدا می داند چقدر نماز و قرآن دعا را دوست دارم (اسماعیل بن کثیر، بی تا: ۱۷۶).

۹-۱-۲. (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ)؛ «کسانی که خود ایمان آوردند و فرزندان شان در ایمان، پیروی شان کردند. فرزندان شان را به آنها ملحق می کنیم» (الطور: ۲۱).

در تفسیر آیه محمد بن عبدالله به اسناد خود از ابن عباس روایت کرده: آیه (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ) در حق پیامبر (ص) و علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۷۰).

عبدالعزیز بن یحیی نیز همین روایت را عیناً از ابن عباس نقل کرده است که: «الآیه، فِي النَّبِيِّ (ص) وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحُسَيْنِ وَالحَسَنِ (علیهم السلام)» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۷۱).

با توجه به روایات ذکر شده می توان به نکات زیر دست یافت:

اولاً در تفسیر آیه، اهل بیت را از ذریه پیامبر (ص) شمرده است و این ذریه به معنای

ذریه معمول نیست چراکه اگر در معنای معمول به کار می‌رفت قاعدتاً دیگر بچه‌های پیامبر را هم شامل می‌شد؛ در حالی که گفته‌اند، فقط در حق این افراد خاص نازل شده است و این شأنی است که دیگر ذریه را شامل نمی‌شود.

ثانیاً در ادامه آیه می‌فرماید: فرزندان‌شان را در بهشت به آن‌ها ملحق خواهیم کرد، معلوم می‌شود که درجه آن‌ها (فرزندان) در بهشت بسیار بالا و عالی است چراکه با پیامبر (ص) خواهند بود و این درجه از بهشت قطعاً برای معصومین خواهد بود و از این بخش آیه می‌توان فهمید که آنان معصوم‌اند و دارای جایگاهی ویژه هستند.

۱-۲-۱۰. (و وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ)؛ «و قسم به پدر و فرزندی که پدید آورد» (البلد: ۳).

در تفسیر آیه، روایتی از ابوالنضر به اسناد خود از ابی‌یعفور و او هم از بعضی اصحابش از امام باقر (ع) نقل کرده، که ابی‌جعفر در تفسیر (و وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ) فرمود: والد امیرالمؤمنین (ع) است. «وَمَا وَلَدَ» منظور حسن و حسین (علیهما السلام) است. همین روایت را نیز اسحاق از جابر نقل کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۳۰).

شأن این بزرگواران را چگونه می‌توان بیان کرد؟ که خداوند به آنان قسم یاد می‌کند. با توجه به این که برای قسم یاد کردن لازم است، حتماً در آن مورد قسم قداست و مقام بسیار والایی داشته باشد تا به آن قسم بخورد. آن‌هم خدای - تعالی - به چیزی قسم یاد کند. قطعاً آن چیز جایگاهی خاص پیدا می‌کند و در این آیه خدا به علی، حسن و حسین (علیهم السلام) قسم یاد می‌کند تا شأن و عظمت این عزیزان را، که یکی از آن‌ها امام حسین (ع) است، بیان فرماید.

نتیجه‌گیری

با توجه پژوهش انجام شده، نام و یاد و شخصیت و نقش سیدالشهدا (ع) در متون تفسیری اهل سنت جایگاه و نقش بسیار برجسته‌ای دارد.

نام و یاد آن بزرگوار در زمان حیات رسول خدا (ص)، به اذعان مفسرین سنی، توسط آن حضرت زنده نگه داشته شده و در مواقع مختلف، پیامبر سفارش آن بزرگوار را به عنوانین مختلف می‌نمودند، یا مقام و عظمت او را به مردم گوش زد می‌فرمود و با بیانات مختلف

نقش پررنگ ایشان را در سعادت بشری یادآور می‌شد. یا به فراخور موضوع، آیاتی را که در شأن اهل بیت (علیهم‌السلام) نازل شده است، که از جمله آنان امام حسین (ع) است، تفسیر یا تطبیق می‌فرمود، تا همه به عظمت امام حسین (ع) پی ببرند. بنا بر این شخصیت و مقام امام حسین (ع) به حدی در جامعه آن زمان آشکار شده که مفسرین سنی در تفاسیر خود، آیات مزبور را آورده‌اند و به اهل بیت (علیهم‌السلام) تفسیر کرده‌اند و روایات مربوط به آیه را از طرق مختلف نقل کرده‌اند که بخش عظیمی از آن را به تواتر یا نزدیک به تواتر رسانده‌اند. به طوری که با تمام اختلافاتی که در برخی تفاسیر اهل سنت وجود دارد، از جهت مضمون روایات اختلاف چندانی وجود ندارد. که این امر حاکی از نقش برجسته حضرت سیدالشهدا (ع) در متون تفسیری است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن كريم
- ابن بابويه، محمد بن علي. (١٣٩١). *علل الشرايع*، مترجم: ذهني تهراني، محمد جواد، قم: انديشه هادي؛
- ابن بابويه، محمد بن علي. (١٤٠٤). *عيون اخبار الرضا (ع)*، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات؛
- ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي. (١٤٢٢). *زاد المسير في علم التفسير*، بيروت: دار الكتاب العربي؛
- ابن طاوس، علي بن موسى. (١٣٤٨). *لهوف*، تهران: انتشارات جهان؛
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر. (١٤١٩). *تفسير القرآن العظيم*، بيروت: دارالكتب العلمية؛
- اسماعيل بن كثير، عماد الدين. (بي تا). *البداية والنهاية*، بيروت: مكتبة المعارف؛
- امين عاملي، سيد محسن. (١٤٠٣). *ايعان الشيعة*، بيروت: دارالتعارف؛
- آلوسي، محمود بن عبدالله. (١٤١٥). *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني*، بيروت: دارالكتب العلمية؛
- بحراني، سيد هاشم. (١٤١٦). *البرهان في تفسير القرآن*، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية مؤسسة البعثة قم، تهران: بنياد بعثت؛
- البستي المعتزلي، ابي القاسم اسماعيل بن احمد. (١٣٨٠). *المراتب في فضائل امير المؤمنين وسيد الوصيين علي بن ابي طالب صلوات الله عليه*، قم: انتشارات دليل ما؛
- بغوي، حسين بن مسعود. (١٤٢٠). *معالم التنزيل*، بيروت: دارالاحياء التراث العربي؛
- بلاذري، احمد بن يحيى. (١٤١٧). *انساب الاشراف البلاذري*، بيروت: دارالفكر؛
- بيضاوي، عبدالله بن عمر. (١٤١٨). *أنوار التنزيل وأسرار التأويل*، تحقيق: محمد عبدالرحمن مرعشي، بيروت: دار احياء التراث العربي؛
- پاني پتي، ثناء الله. (١٤١٢). *التفسير المظهرى*، باكستان: مكتبة رشدية؛
- تلمساني، محمد بن ابي بكر. (١٤٠٢). *الجوهرة في نسب الامام علي (ع)*، دمشق: مكتبة

النورى؛

- التليدى المغربى، ابوالفتوح عبدالله بن عبدالقادر. (١٣٨٨). الأنوار الباهرة، تهران: مجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الاسلامية؛
- ثعلبى، احمد بن محمد. (١٤٢٢). الكشف والبيان المعروف تفسير الثعلبى، بيروت: دار إحياء التراث العربى؛
- الجزرى، شمس الدين محمد بن محمد بن محمد. (بى تا). استى المطالب فى مناقب الإمام على (ع)، تهران: نقش جهان؛
- حرانى، عبدالله بن نورالله. (١٤٢٩). عوالم العلوم والمعارف، قم: مؤسسة الامام المهدي (عج)؛
- حسانى، عبيدالله بن عبدالله محقق. (١٤١١). شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران: وزارت ارشاد؛
- حلى، جعفر بن محمد بن نما. (١٤٠٦). منير الاحزان، قم: مدرسة الامام المهدي (عج)؛
- حموى، محمد بن اسحاق. (١٣٦٣). انيس المؤمنين الحموى، تهران: بنياد بعثت، تهران؛
- سمرقندى، نصر بن محمد بن احمد. (بى تا). بحر العلوم، بيروت: دارالفكر؛
- سيد بن طاووس. (١٤٠٠). الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف، قم: انتشارات خيام؛
- سيوطى، جلال الدين. (بى تا). الدر المشور، قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى؛
- شوشترى، نورالله. (١٤٠٩). احقاق الحق، قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى؛
- طبرسى، فضل بن حسن. (١٣٧٦). اعلام النورى، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لاهياء التراث؛
- طبرى، عماد الدين حسن بن على. (١٣٧٦). تحفة الأيوار، تهران: ميراث مكتوب؛
- طبرى، محمد بن جرير. (١٤١٢). جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفة؛
- العروسى حوىزى (يا هوىزى)، عبد على بن جمعة. (١٣٨٣). تفسير نور الثقلين، قم:

- دارالتفسیر؛
- عکبری بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید). (۱۴۲۶). الارشاد، قم: انتشارات محبین؛
- فخر رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر. (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی؛
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶). الوافی، اصفهان: مکتب الامام الامیر المؤمنین علی (ع) العامه؛
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع الحکام، تهران: ناصر خسرو؛
- قمی، ابن قولویه. (۱۳۸۴). کامل الزیارات، (مترجم: ذهنی تهرانی، محمد جواد)، تهران: پیام حق؛
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (بی تا). ینابیع المودة لدوی القری، قم: اسوه؛
- کاتب واقدی، ابن سعد. (۱۴۱۸). طبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه؛
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۶۹). الکافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی؛
- کوفی، ابن عثم. (۱۴۱۱). الفتوح، بیروت: دار الأضواء؛
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۲). جلاء العیون، قم: نشر سرور؛
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء؛
- محمد بن طولون شمس الدین. (بی تا). ائمة الأئمة عشر، قم: نشر رضی؛
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۲۶). اثبات الوصیه للإمام علی بن أبی طالب، قم: انصاریان؛
- مشهدی، میرزا محمد. (۱۴۲۳). تفسیر کنز الدقائق، قم: دار الغدیر؛
- میبدی، ابوالفضل رشید الدین. (۱۳۷۱). کشف الاسرار، تهران: امیرکبیر؛
- نسائی، احمد بن شعیب. (۱۳۸۲). خصائص أمیر المؤمنین، قم: بوستان کتاب؛
- یزدی حائری، علی بن زین العابدین. (۱۴۲۲). التزام الناصب، بیروت: مؤسسه الأعلمی؛